

◀ **راد پورجبار**
 نویسنده و کارگردان نمایش «مطلق»

بهمن ۱۳۹۷ بود که شروع به نگارش نمایشنامه «مطلق» کردم. من کتاب‌های متعددی خوانده و فیلم‌هایی دیده بودم که بخشی از آنها همواره در ذهنم تکرار می‌شد از جمله کتاب‌هایی مانند «میرا»، «۱۹۸۴»، «تماشاچی محکوم به اعدام»، «در انتظار گودو» و سریال‌هایی مانند «سرگذشت ندیمه» و... که همگی فضایی ویژه خود می‌سازند. حرقه اصلی من بازیگری است و از سال ۱۳۸۸ به آن مشغولم و «مطلق» نخستین تجربه کارگردانی‌ام است. در نتیجه با توجه به این سابقه می‌دانستم مخاطب خاص و عام این روزهای ما کدام سبک از کار را بیش از دیگر سبک‌ها می‌پسندد. مخاطب عام قصه دوست دارد و مشتاق شنیدن داستان است. او دوست ندارد هنگامی که از سالن تئاتر بیرون می‌آید در برابر این سؤال که چه چیزی روی صحنه دیده است دربیماند و در کنار آن، در کنار شنیدن قصه، اگر آنچه می‌بیند در شرایط دشوار موجود موجب شود لبخندی هم بر لب آورد خشنودتر خواهد شد. از سوی دیگر آنچه توجه مخاطب خاص را جلب می‌کند شیوه اجرایی، طراحی صحنه و چگونگی استفاده از این طراحی، میزانشن‌ها، بازی بازیگران و... است.

«مطلق» با توجه به مجموع این دانسته‌ها، براساس تکه‌تکه‌هایی از باقی‌مانده ته‌نشین‌شده در ذهنم از هر کدام از زمان‌ها و نمایشنامه‌هایی که خوانده و فیلم‌ها و سریال‌هایی که دیده بودم و آنچه در مورد خواسته مخاطب خاص و عام تصور می‌کردم شکل گرفت و شهری را در تاجک‌آباد ساخت. شهری که در آن نه زمان و نه مکان مشخص است، شهری که حافظه مردمانش پاک شده و در ادامه دختری وارد شهر می‌شود که حامل پیامی است.

من برای کسب اولین تجربه کارگردانی با نمایش «مطلق» دشواری‌های بسیاری را از سر گذراندم که بخشی از آن به‌علت نداشتن تجربه کافی در انتخاب تیم پشت صحنه بود. نخستین دوره تمرینات ما از خرداد ۱۳۹۸ آغاز شد که به مدت ۵ ماه طول کشید و به قصد اجرا در تالار حافظ شکل گرفت. تمریناتی طولانی که وقتی

به خود آدمیم متوجه شدیم برخلاف آنچه از سوی همراهم گفته شده بود حتی برای تعیین زمان جلسه بازیبنی درخواستی به شورای نظارت و ارزشیابی اداره‌کل هنرهای نمایشی داده نشده است. این اتفاق منجر به ایجاد تغییراتی در گروه ما شد و پس از آن بود که مهناز افتاده‌نیا علاوه بر مسئولیت بازی در «مطلق» مدیریت امور مربوط به مجری‌طرح، برنامه‌ریز و دستیار کارگردان را هم بر عهده گرفت و در کنار آن، طراحی صحنه و آکسسوار را نیز انجام داد. دور دوم تمرینات ما در سوله‌ای سمت آزادگان انجام شد و علت آن حجیم بودن دکور بود که موجب شد تصمیم بگیرم در سوله برقرارش کنم و همانجا به تمرین بپردازیم. ما از دوستان‌مان خواهش کردیم جلسه بازیبنی شورای نظارت و ارزشیابی و بازیبنی سالن به‌صورت هم‌زمان انجام شود که آنها هم محبت کردند و برای بازیبنی به‌همان سوله آمدند. اتفاق ناخوشایندی که در ادامه رخ داد صحبت‌هایی بود که از سوی مسوولان سالن با من انجام شد و پس از ارائه راهکارهایی برای بهبود کار اعلام کردند که نمی‌توانند به «مطلق» نوبت اجرا دهند. در همین حین «مطلق» رفتن دو سرمایه‌گذار را در دو مقطع زمانی متفاوت به چشم دید و به شخصه تأمین مبلغ لازم برای ادامه راه را بر عهده گرفتم و اینجا بود که کاوه سجادی حسینی به‌عنوان استاد و دوست بسیار همراه من به این نتیجه رسید که تهیه‌کننده کار ما شود. از همان ابتدا قرارمان بر این بود که این تهیه‌کنندگی نه به معنای آوردن سرمایه‌ای با خود به کار که از جنبه حمایت معنوی و اعتباری باشد که الحق هم بسیار کمک و راهنمایی‌مان کرد. ما با توجه به راهنمایی او به این نتیجه رسیدیم که در تماشاخانه‌ای خصوصی روی صحنه برویم و در نتیجه با عمارت نوفل لوشاتو وارد مذاکره شدیم.

نخستین هفته اجرای ما که از ۶ تیر ۱۴۰۰ آغاز شد با استقبال مخاطب مواجه شد. به‌گونه‌ای که در هر اجرا تمام بلیت‌های ۵۰ درصد ظرفیتی که تحت تأثیر شیوع کرونا مجاز به استفاده از آن بودیم به فروش می‌رفت و گمان می‌کردیم همان مسیر را ادامه خواهیم داد که ۱۲ تیر اعلام شد در پی قرمز شدن وضعیت کرونا، سالن‌های تئاتر به مدت دو هفته تعطیل خواهد شد هرچند

کاوه سجادی حسینی تهیه‌کننده نمایش «مطلق» در گفت‌وگو با

«ایران» مطرح کرد

تئاتری که مزه تلویزیون بدهد، خطرناک است

◀ **نرگس کبانی**
 خبرنگار

«مطلق» نام نمایشی است به نویسندگی راد پورجبار و حمیدرضا هدایتی، کارگردانی راد پورجبار و تهیه‌کنندگی کاوه سجادی حسینی که این روزها در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه است. کاوه سجادی حسینی کارگردان، فیلمنامه‌نویس و مدرس شناخته‌شده در کنار دیگر فعالیت‌هایش سابقه‌تهیه‌کنندگی تئاتر را نیز در کارنامه دارد. او پیش از پذیرفتن تهیه‌کنندگی نمایش «مطلق»، در نمایش‌های «ویرانی» به نویسندگی و کارگردانی افشین حسن‌زاده و «آندورا» براساس نمایشنامه ماکس فریش به طراحی و کارگردانی افشین زمانی نیز در مقام تهیه‌کننده حضور داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی است با او که حضور به عنوان تهیه‌کننده در کنار «مطلق» را حمایتی معنوی و اعتباری از گروهی جوان و کارگردانی می‌داند که نخستین تجربه کارگردانی را از سر می‌گذراند.

■ **اگر موافقید گفت‌وگو را با سابقه تئاتری خودتان آغاز کنیم.**

من سال ۱۳۷۷ کارشناسی تئاتر خواندم و سال‌ها دستیار کارگردانان خوبی در تئاتر بودم. به همین سبب همواره خود را فرزند تئاتر می‌دانم و یکی از دغدغه‌هایم و در اصل واجب واجباتم پیش از کرونا، تماشای تئاتر بود و اکنون که به بلای کرونا مبتلا شده‌ایم، پیش آمده است به تماشای نمایش‌هایی بنشینم که سه، چهار نفر تماشاگر داشته‌اند. در فیلم‌هایی که کارگردانی کرده‌ام نیز مثلاً در تله‌فیلم‌هایم به‌عنوان آثار تلویزیونی که شمارشان به عدد ۱۰ می‌رسد همواره نقش‌های اصلی را به بازیگران تئاتر سپرده‌ام، بازیگرانی که اکنون بسیار شناخته‌شده هستند اما آن زمان تنها در تئاتر فعال بودند. استفاده از بازیگرانی درخشان با ریشه کار در تئاتر در اولین فیلم سینمایی‌ام، تازه‌ترین آن، «بی‌سر» و اثر پیش از آن، «بوقالو» مشهود است. به گونه‌ای که در «بی‌سر» از حضور الهام کردا، مهدی کوشکی و کاظم سیاحی و در «بوقالو» از حضور سهیلا گلستانی، پانته‌آ پناهی‌ها، هومن سیدی و... بهره‌مند شدم و سابقه تئاتری بزرگانی چون رویا تیموریان و پرویز پرستویی نیز بر کسی پوشیده نیست.

با وجود اعلام چنین مسأله‌ای شاهد هستیم که اجرای نمایش‌ها در سالن‌های خصوصی و غیردولتی از دوشنبه ۲۱ تیر آغاز شده است و امیدواریم مجدداً و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی به همان روال پیش که همه بلیت‌ها فروخته می‌شد برسیم.

نکنه‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که ما هنوز هیچ مبلغی نه به‌عنوان کمک‌هزینه و نه به‌عنوان جبرانی برای ۵۰ درصد ظرفیت خالی‌مانده سالن از سوی اداره‌کل هنرهای نمایشی دریافت نکرده‌ایم و این در حالی است که موظفیم اجاره سالن را پیش از شروع اجرا بپردازیم اما ظاهراً این اتفاقات اهمیتی برای کسی ندارد. همچنین می‌دانیم که پیش از این خبر تعطیلی یا بازگشایی سالن‌های تئاتر از طریق شورای نظارت و ارزشیابی اداره‌کل هنرهای نمایشی به سایت فروش بلیت واز

است، راهی جز این پیش رویتان نیست.

«

ما هنوز هیچ مبلغی نه به‌عنوان کمک‌هزینه و نه به‌عنوان جبرانی برای ۵۰ درصد ظرفیت خالی‌مانده سالن از سوی اداره‌کل هنرهای نمایشی دریافت نکرده‌ایم و این در حالی است که موظفیم اجاره سالن را پیش از شروع اجرا بپردازیم اما ظاهراً این اتفاقات اهمیتی برای کسی ندارد



داستان پُر آب چشم اجرای «مطلق»



در نتیجه بی‌خیالشی می‌شویم و با خود می‌گوییم رهایش کن. به سؤال‌تان برگردم. تعطیلی‌های مورد اشاره‌تان با باز شدن‌ها و بسته شدن‌های مکرر سالن‌های نمایشی در چنین شرایطی که شرحش رفت موجب ویرانی شاکله کار کسانی می‌شود که با وجود تمام این مصایب همچنان تئاتر کار می‌کنند.

■ **به نظر‌تان وضعیت حاصل از شیوع ویروس کرونا و تأثیر آن بر تئاتر را می‌توان با وضعیت جنگی و تأثیر جنگی خانمان‌سوز بر اهالی تئاتر قیاس کرد؟**

بله. در شرایط جنگی نخستین چیزی که متوقف می‌شود تولید است. آنچه در دوران کرونا اولویت دارد، سلامت و آنچه در دوران جنگ مهم است، امنیت است و فرهنگ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. من معتقدم باید تمهیداتی اندیشید و کاری کرد که چه در دوران کرونا و چه در دورانی که تعطیلی نابهنگامی بر اهالی تئاتر حادث می‌شود تئاتر و تئاتری‌ها از بین نروند چرا که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آنها فرهنگسازی است و ما محتاج این فرهنگسازی هستیم تا بتوانیم از آنچه موجب عقب‌افتادگی‌مان می‌شود فاصله بگیریم. ■ **به عنوان کسی که سال‌های دور در بستر تلویزیون کار کرده‌اید گمان می‌کنید تله‌تئاتر می‌توانست برای گذر از این بحران به کمک‌مان بیاید؟**

تفاوت تله‌تئاتر و تئاتر از نظر من مانند تفاوت فوتبال و فوتسال و هیجان حاصل از آن‌هاست. در نتیجه به زعم من هیجانی را که تئاتر ایجاد می‌کند تله‌تئاتر نه اینکه ایجاد نکند اما کمتر ایجاد می‌کند و ارتباط عامه مردم با آن برقرار نیست که به علت تکنیک همچنان قدیمی کارگردانی‌اش است به گونه‌ای که من نوعی را هم پس می‌زند. ما با این شیوه قدیمی که شامل حضور یک کارگردان تلویزیونی و یک

کارگردان هنری و میزانشن‌های ارائه شده از سوی کارگردان تلویزیونی و بازیگردانی از سوی کارگردان هنری است پیش نخواهیم رفت و به عقیده من می‌بایست با تله‌تئاتر‌های مدرن مواجه شد و براساس شکل و شمایل آنها کار کرد تا در مسیری درست قدم گذاشت. به همین دلیل بیش از تله‌تئاتر با فیلم تئاتر موافقم و معتقدم یک نفر کارگردان که هم توانایی ساخت فیلم را دارد، هم دکوپاژ را می‌شناسد و هم بازیگردانی بلد است و هم با صحنه تئاتر آشناست باید این کار را انجام دهد. مشکل اصلی، آشنا نبودن بسیاری از کارگردانان تئاتر با مقوله تصویر و آشنا نبودن بسیاری از کارگردانان تصویر با مقوله صحنه است که موجب بروز ناهماهنگی می‌شود. گمان می‌کنم این ناهماهنگی را باید در بستری دانشگاهی مرتفع کرد و در میان رشته‌های متعدد، مشخصاً کارگردانی تله‌تئاتر را آن هم نه به شیوه قدیمی که به شیوه‌ای مدرن آموزش داد. ■ **سؤال آخر، به عنوان کسی که از تجربه حضور در عرصه هنر در خارج از کشور هم برخوردارید، گمان می‌کنید رؤیای صدور تئاتر در مقیاسی گسترده به خارج از کشور، رؤیایی دور از دسترس است؟**

به عقیده من آنچه این اتفاق را به رؤیایی دور از دسترس تبدیل کرده است این است که تئاتر در همه جای دنیا تبدیل به صنعت شده است، تکنیکال شده است و از فضاهایی بهره می‌گیرد که به مخاطب امکان تخیل بسیار می‌دهد در حالی که تئاتر ایران فاقد صنعت، فاقد تکنیک و فاقد لوازم تخیل است. حرکت تئاتر به سمت صنعتی شدن، تکنیکال شدن و در واقع فول‌مدیا شدن موجب شده است ما نتوانیم با تئاتر جهان رقابت کنیم و هرچند در کانسپت و مفهوم می‌توانیم این کار را با بعضی از آثارمان انجام دهیم اما با اجرا و شیوه اجرایی نه.